

مراسم عید قربان در ترکمن صحرا

پیشگفتار

درباره آداب و رسوم ترکمن‌ها، سه پژوهش پرارزش وجود دارد، که هر کدام تقریباً به فاصله سی سال از یکدیگر نوشته شده است، و بهمین لحاظ هر کدام از آنها از اهمیتی خاص برخوردار می‌باشند. زیرا شیوه پژوهش این هر سه، مبتنی بر مشاهده مستقیم بوده (بویژه آخرین که بر مبنای اصول مردم‌نگاری تحریر یافته است)، و بیان هر سه روشن و دقیق است.

این رسالات عبارتند از: یکم - «نخبه سیفیه»، اثر محمدعلی قورخانچی که حدود سال ۱۲۸۳ ه. ش. تحریر یافته است. دوم - «دشت گرگان»، نوشته عباس شرقی که به سال ۱۳۱۴ منتشر شده است. سوم - سلسله مقالات ترکمن‌های ایران»، پژوهش هوشنگ پورکریم که از سال ۱۳۴۴ در مجلدات، مجله «هنر و مردم» به چاپ رسیده است. اگر چه در فاصله این سه نوشته و با قبل و بعد از آن‌ها، بسا مقالات و کتابهای درباره ترکمنان و آداب و رسوم آنها. نگارش یافته و منتشر شده است. لیکن این سه مورد از جهاتی که برخواهیم شمرد، بر دیگر پژوهش‌ها و نوشته‌ها ترجیح دارند؛ یکم - بواسطه قرابت‌هایی که در موضوع‌های مورد تحقیق با یکدیگر دارند، مثلاً در هر سه این پژوهش‌ها، ابتدا درباره تاریخچه، شیوه معاش، طرز زندگی و بالاخره آداب و رسوم ترکمن‌ها به شرح و توصیف دقیقی پرداخته‌اند. دوم - این هر سه درباره ترکمن‌ها و بویژه یموت‌ها و یموت‌هایی که در شهر «آق قلعه» و یا روستاهای حول و حوش آن

زندگی می‌کنند، به تحقیق نشسته‌اند. سوم - همانطور که قبلاً نوشتیم - فاصله زمانی تقریباً سی ساله این سه پژوهش با یکدیگر است، که تقریباً هر کدام نسلی نوی را نسبت به قبلی مورد تحقیق قرار داده است.

با مطالعه این سه، به تحولی که در میان ایشان از همان حدود هشتاد سال پیش شروع شده است، پی می‌بریم، که چگونه در طی این مدت، و با وجود اینکه جامعه ترکمن‌ها از جهات اقتصادی - اجتماعی دچار تحولات یاد شده در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، تغییر چندان نکرده است.

لذا بر آن شدیم تا به پژوهش دیگر در این زمینه دست یابیم، تا دیگر باره ببینیم، که آیا آداب و رسوم ایشان در طی این بیست و یکی دو ساله تا چه حد دستخوش تحول شده است؟ اگر چه می‌دانیم که بطور قطع در وضعیت اقتصادی - اجتماعی، بویژه پس از انقلاب اسلامی ایران دچار تحول شده است. پس، مراسم عیدقربان را در میان ترکمن‌های ساکن «آن قلعه» مورد بررسی قرار داده و به شرح و توصیف آن همچون سه مورد یاد شده، می‌پردازیم.

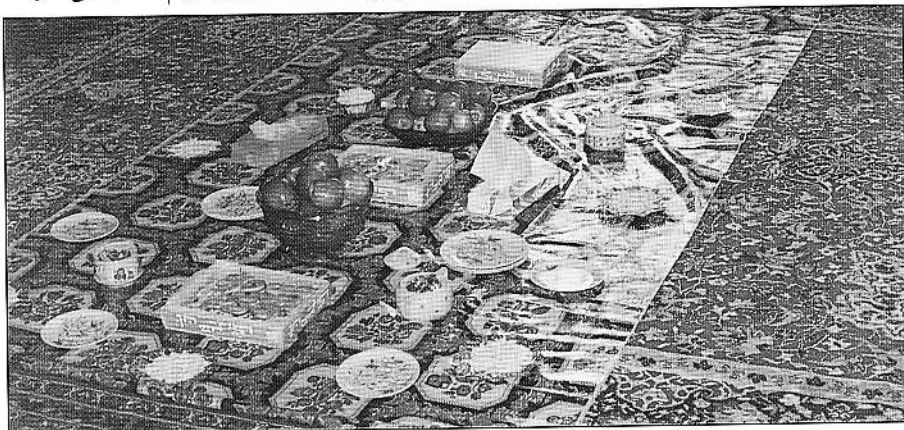
مقدمه

واژه عید، نه تنها در لغت، بلکه در باورها و اعتقادات مردم، نیز به معنای تجدید حیات و آغاز دوباره زندگی است. هرگاه که موقع عید فرا می‌رسد، مردم شادی‌ها می‌کنند، و جشن‌ها برپا می‌دارند. پس عید به معنای، شادمانی و جشن و سرور نیز، می‌آید.

بر این بنیاد، هر عیدی، از تجدید حیات چیزی صحبت می‌دارد، و موجب تساوی مردمان می‌شود. زیرا تجدید حیات هر چیز در حقیقت زندگی دوباره خود او است. مثلاً نوروز که آغاز بهار و رویش مجدد گیاهان را نوید می‌دهد. و عید قربان نیز، بنا بر روایت قرآن کریم، بر بنیاد زندگی دوباره اسماعیل فرزند ابراهیم (ع) قرار دارد. از این رو، مسلمانان آن را گرامی می‌دارند، و ترکمنان که مردمی مسلمان و سخت پای‌بندند، با برگزاری شکوهمند این عید، عبودیت و ایمان و شادمانی خود را به درگاه خداوند، ابراز می‌کنند.

عید قربان

چند روز پیش از فرا رسیدن عید، جنب و جوش زیادی در بین مردم آغاز می‌شود.



شهر یکپارچه در تب و تاب است، و در هر گوشه و کنار آن شادی موج می‌زند، گوسفندداران، گله‌های خود را برای فروش عرضه می‌کنند، مغازه‌داران و دست‌فروشها در حالی که بساط خود را از کالای گوناگون انباشته‌اند، با عرضه آنها به مردم در شادیشان شریک می‌شوند. ارايه رانان، با ارايه‌های سنتی خود، آماده حمل وسایل مردم به منازلشان می‌شوند. از روستاهای دور و نزدیک نیز روستائیان برای فروش دست‌بافته‌هایشان و نیز برای خرید مایحتاج خود به شهر می‌آیند. کودکان به همراه پدر و مادر برای خرید پوشاک و سایر لوازم و نیز خرید شیرینی و میوه عید به بازار می‌آیند. از هر گوشه بانگ فروشنده‌ای و غریو شادی کودکی به گوش می‌رسد. زنان و دختران يك روز قبل از عید به‌خانه تکانی و فراهم کردن بساط عید مشغول می‌شوند. کودکان با همبازیهایشان روز را به‌بازی می‌گذرانند. همه در جنب و جوش و فعالیت به‌سر می‌برند. و شادمانه عید را انتظار می‌کشند. شب عید فرا می‌رسد. دیگر خانه پاك و پاکیزه شده است. سفره عید را که مملو از انواع شیرینی‌ها و میوه‌هاست، گسترده‌اند و لباسهای نو را از چوب رخت



آویخته‌اند. زن خانه در تدارك تهیه نان ویژه عید است، که می‌باید صبح عید قطعاتی از آن را در سینی بگذارند و برای همسایگان بفروشند. این نان را «چوقور» می‌گویند، که از آرد و روغن تهیه می‌شود و در تنور آن را می‌پزند. در حیاط هر خانه حداقل دو رأس گوسند، که در آغل کوچکی جای داده شده‌اند، دیده می‌شود. در پایان کار همه به‌خواهی خوش فرو می‌روند.

به‌هنگام اذان سحر، مرد خانه جهت انجام فریضه نماز عید به مصلي شهر می‌رود، تا نماز عید را برگزار کند. پس از نماز به زیارت قبور پدر و مادر و در گذشتگان می‌روند، تا فاتحه‌ای نثار کنند. آنگاه به‌خانه باز می‌گردند، تا گوسفندان را قربانی کرده و عید را جشن بگیرند.

قصاب*، آماده است تا با اجازه صاحبخانه به قربانی کردن گوسفندان بپردازد. محل ذبح را «چوقور» Чоқор می‌گویند، که روز پیش از عید آماده کرده‌اند و به شکل دایره‌ای کم عمق به قطر تقریبی پنجاه سانتی متر است، و در وسط آن برجستگی کوچکی است که زن خانه به هنگام قربانی کردن گوسفند بر روی آن برجستگی، قدری نمک و چند تکه کوچک ذغال و مشتی دانه گندم یا جو به نشانه حرمت و رفع چشم‌زخم و برکت می‌گذارد. در لبه بیرونی «چوقور» خاکریز کوتاهی ایجاد کرده‌اند تا به هنگام ذبح گوسفند خون قربانی بیرون نریزد، زیرا بر این باورند که پخش شدن و زبردست و پافتن خون قربانی شگون ندارد و برای آن خانه بد یمن است.

سپس قصاب با اجازه صاحبخانه، به سربریدن گوسفندان به نوبت مشغول می‌شود، و اول گوسفندی را که مربوط به پدر خانواده است و بعد از آن گوسفند مربوط به مادر خانواده و همینطور به ترتیب گوسفندان دیگر را قربانی می‌کند. برای اینکار هر گوسفندی را در «چوقور» جداگانه به قبله می‌خواباند، و سپس سرش را می‌برند، و تا زمانی که تمام خون گوسفند از بدنش خارج شود، قربانی را نگاه می‌دارد. آنگاه با قدری آب صورت و محل بریدگی گلوئی گوسفند را به نشانه غسل و پاك شدن شستشو می‌دهد. بعد قربانی را از شاخه درختی و یا داری چوبی (دار مشك زنی) می‌آویزد و به پوست کندن آن مشغول می‌شود. روی چاله را تا زمانی که خون قربانی خشک نشده است، نمی‌پوشانند. پس از پوست کندن، لاشه را درون سینی بزرگی گذارده و به قسمت کردن آن مشغول می‌شوند. در این فاصله، قصاب، دست به‌کار قربانی گوسفند دیگر می‌شود. برای هر قربانی يك چاله جداگانه از پیش آماده کرده‌اند، و همه اعمالی که در مورد قربانی اولی انجام داده‌اند، برای گوسفندان بعدی نیز انجام می‌دهند.

به هنگام تقسیم گوشت قربانی، بخشی از پشت و راسته قربانی را برای پدر و مادر عروس یا دامادشان می‌فرستند. دل و جگر آن را فوراً با روغن دنبه ترجیحاً با دنبه قربانی سرخ می‌کنند و همه حاضرین از آن می‌خورند. رانهای آن را آماده می‌کنند تا اگر میهمانی از در برسد، برایش کباب کنند. کله و پاچه آن را برای خود نگاه می‌دارند.

مراسم عید قربان در ترکمن صحرا

پوست قربانی را همراه مقداری گوشت و شکمبه آن به فقیری مستحق می دهند، و یا پوست قربانی را می فروشند و بهای آن را بین فقرا قسمت می کنند. دنبه قربانی را برای گرفتن روغن آن کنار می گذارند. وقتی روغن دنبه را گرفتند، پس مانده های دنبه را سرخ می کند که به آن «قاروت ماچ» qârotmâç می گویند، و با «قاروت ماچ» نانی به همین نام می پزند که به هنگام ناشتایی می خورند. با پایان گرفتن کار قصاب، مزد او را نقداً می پردازند و او را راهی خانه ای دیگر می کنند. پس از پایان کار قربانی کردن گوسفندان، پدر خانواده و به تبع او همه اعضای خانواده به گرد سفره می نشینند. ابتدا پدر، با خواندن آیاتی چند از قرآن کریم و ذکر ادعیه و اوراد خاص این روز مقدس، آغاز عید را رسماً اعلام می کند. پس همه شادمان و خوشحال به خوردن و نوشیدن مشغول می شوند. فرزندان کوچک و نیز نوادگان از پدر و مادر عیدی می گیرند، عید معمولاً پول نقد است، ولی برخی برحسب توانایی به کودکان چیزهای دیگر نیز می دهند.

آشنایان شروع می شود. طی این سه روز همه، بدیدن اقوام و آشنایان دور و نزدیک می روند و عیدمبارکی می کنند و این تجدید حیات را به یکدیگر شادباش می گویند.

در عید قربان، قربانی کننده و قربانی شونده، هر دو باید شرایطی را دارا باشند؛ هر شخصی که عاقل و بالغ بوده و بدهکار نباشد و سرمایه ای معادل ده هزار تومان داشته باشد، باید گوسفندی را که حداقل شش ماهه بوده و سالم و بدون نقص



ذابح با کسب اجازه از صاحب خانه به ذبح قربانی پرداخته است.

باشد، قربانی کند.

در مورد زن و شوهر، وقتی که شوهر حائز شرایط یاد شده باشد، بر عهده اوست که برای خود و همسرش هر کدام یک گوسفند قربانی کند.

- دختری که شوهر کرده است تا زمانی که در خانه پدری به سر می برد، برعهده پدر است که برای او نیز گوسفندی قربانی کند.

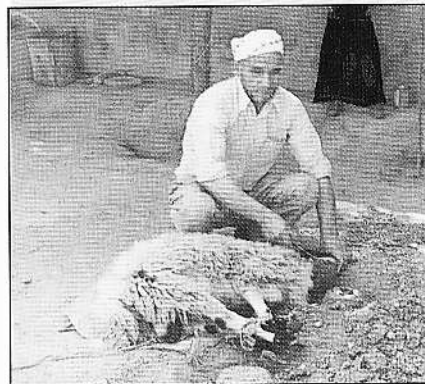
- کسانی که به حج رفته و حاجی شده اند، نیز در زمره کسانی هستند که قربانی کردن یک گوسفند بر آنها واجب

است.

- اشخاص متمکن و ثروتمند می توانند افزون بر حداقل گفته شده، دو گوسفند و یا میشی و یا حتی گاو و شتر نیز قربانی کنند.

- چنانکه هفت نفر با یکدیگر شریک شوند، می توانند به جای هفت گوسفند، یک گوساله ای را که حداقل سه عید قربان را دیده باشد (یعنی حداقل سه ساله باشد)، قربانی کنند. در این صورت پس از ذبح و پوست کندن، گوساله را از لحاظ وزنی به هفت قسمت مساوی تقسیم خواهند کرد (البته همه شرکاء از همه اعضاء قربانی مثل: ران، دست و سفیدران به نسبت برابر سهم خواهند برد). در مورد پوست چنین قربانی، رسم بر این است که پوست را فروخته و بهایش به هفت قسمت مساوی تقسیم می کشود، تا به فقرا بدهند، و یا هر هفت نفر با هم توافق می کنند که پوست آن را به یک فقیر بدهند. در مورد شکمبه و کله پاچه گوساله قربانی نیز به همان ترتیب عمل می کنند.

قربانی در کنار مذبح آنقدر نگاه می دارد تا تمام خونس چاله را پر کند.



- به واسطه شگون عید، غالباً در این ماه عروسی هایشان را برگزار می کنند.

- بر این باورند که اگر ذابح قربانیانشان حاجی باشد، شگون دارد.

- باور دارند که اگر گوسفند قربانی سفید باشد، بهتر است و برکت دارد.

- معتقدند که اگر پوست قربانی را در منزل نگاه دارند، بد یمن است، به همین مناسبت سعی دارند هر چه زودتر آن را به فقیری بدهند، و از خانه بیرون ببرند.

- اصولاً قربانی کردن را مقدس می دانند و معتقدند که با انجام هر قربانی برای هر مناسبتی، پلیدی و بی نعمتی از آنان دور خواهد شد و قربانی یمن و برکت دارد.

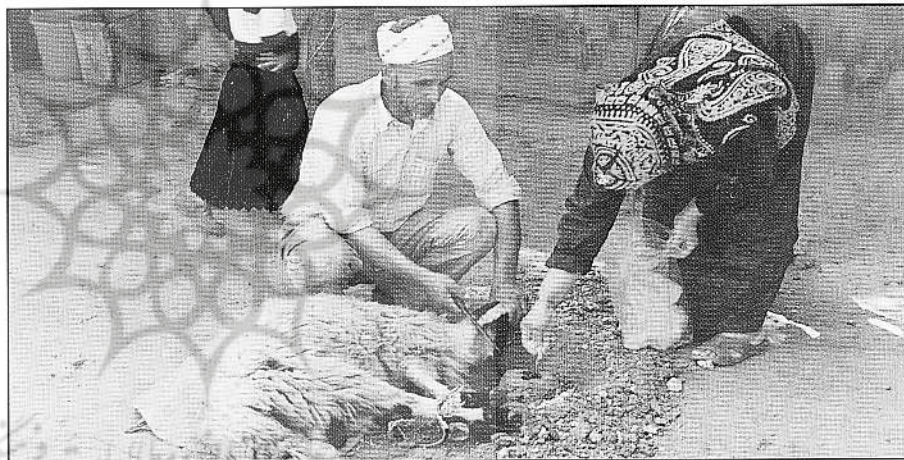
توصیف چگونگی برگزاری مراسم عید قربان به برخی اعتقادات و باورهای مردم ترکمن در رابطه با این عید مقدس نیز اشاره شود.

- ماه ذیحجه را به مناسبت عید قربان «قربان آی» qurbân Bay می نامند.

- نوزادی را که در ایام عید و بویژه در روز عید متولد شود، حاجی می دانند و از واژه «قربان» به عنوان پیشوند یا پسوند در نامگذاری او استفاده می کنند، مثل: قربان قلی، قربان محمد و غیره.

- در مورد قربانی کردن شتر، نیز وضع شبیه مورد قبلی است. یعنی باید هفت نفر با یکدیگر شریک شوند و شتری را قربانی کنند. ولی چون بهای يك شتر از يك گوساله بیشتر است طبعاً افرادی که از تمکن مالی بیشتری برخوردارند، به قربانی کردن شتری پردازند. در مورد تقسیم گوشت و پوست وضع همچون مورد پیشین است.

در مورد عید قربان شایسته است که پس از شرح و



مادر خانه در وسط چقور نمک می ریزد، به نشانه حرمت آن.

پس از قربانی کردن، محل بریدگی و سرگوسفند را با آب شستشو می دهند.



«قربان آی»
qurbân Bay

پاورقی:

* - وی را چند روز پیش از فرارسیدن عید دیده و قرار و مدار لازم را با او گذاشته اند. البته در شهر نیز همه به قصاب مراجعه نمی کنند برخی خود یا پسر بزرگ خانواده به ذبح گوسفندان می پردازند.

* - تاب را در گذشته از دکل های کشتی های از کار افتاده بر پا می کردند. که بلندی برخی از آنها به شش تا هشت متر می رسید. لیکن امروزه این بازی کمتر معمولست و تاب را با تیرهای چوبی معمولی می سازند که ارتفاع آن از دو سه متر تجاوز نمی کند.